



۲۰۱۴/۱۰/۱۵

جليل غنى

افغانستان محراق منافع و نگرانی های جهان

افغانستان با موقعیت جغرافیایی و محاط بودن به خشکه حلقه ای اتصال بین آسیای میانه و جنوب آسیاست که جهان گشایان در طول تاریخ از اسکندر مقدونی تا قدرت های بزرگ جهانی و منطقوی دیگر به این خطه که گاهی بنام آریانا، زمانی بنام خراسان و از ۱۵ جولای ۱۸۴۷ به این طرف با تأسیس دولت مستقل و جداگانه توسط احمد شاه ابدالی، بنام افغانستان بوده، به حیث دروازه فتوحات شان به جنوب آسیا و یا آسیای میانه نگریده اند. مثال های بارز این لشکرکشی ها در سده های اخیر، سه تهاجم انگلیس (جنگ اول افغان و انگلیس ۱۸۳۹-۱۸۴۲، جنگ دوم ۱۸۷۸-۱۸۸۰ و جنگ سوم ۶ می ۱۹۱۹ - ۸ اگست ۱۹۱۹) و شکست آن، تهاجم اتحاد شوروی سابق بر افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ است.

مؤرخین و محققین در باره علل این همه تهاجمات و علاقمندی جهان گشایان، تألیفات متعدد و تحقیقات گسترده انجام داده اند و هر یک از زاویه جداگانه و از نگرش متفاوت شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و موقعیت ستراتیژیک این خطه را ارزیابی و علل تهاجمات را جست و جو نموده اند. گاهی آنرا دروازه هند خوانده اند و زمانی شاهرای سلطه بر آسیای میانه و زمانی هم منطقه متعلق به نفوذ روسیه و یا نیمه مستعمره انگلیس و بالاخره هم منطقه حایل بین قدرت های بزرگ قرن نوزدهم (روس و انگلیس) ولی هیچ گاهی افغانستان مثل امروز محراق منافع مشترک و هم نگرانی های مشترک منطقه و جهان نبوده است و این تنها اهمیت موقعیت ستراتیژیک و جیوپولیتیک امروزی افغانستان، ظهور اندیشه های تند روانه و تعبیر های سخت گیرانه از اسلام، نفوذ دهشت افکنان بین المللی چون القاعده و مؤتلفین آن، تقابل و اصطکاک مفکوره های متضاد عقیدتی و سیاسی منطقوی و بین المللی است که آنرا به این محراق توجه قرار داده است چون هم منافع مشترک و هم نگرانی های مشترک از حیطه ملی خارج و شکل منطقوی و جهانی را گرفته است و همان طوری که جهان به یک "دهکده" تبدیل شده معضله افغانستان هم در محدوده همین دهکده مورد ارزیابی قرار می گیرد.

افغانستان به قول علامه اقبال لاهوری "قلب آسیاست" زیرا با شش کشور این منطقه همسرحد است که همین موقعیت، این کشور را در چهارراه مدنیت ها در سده های گذشته قرار داده که از چنین موقعیتی هم بهره مند شده است و هم متضرر. طول سرحدات افغانستان با شش کشور همسایه چنین است:

چین ۹۱ کیلومتر، ایران ۹۲۱ کیلومتر، پاکستان ۲۶۷۰ کیلومتر، تاجکستان ۱۳۵۷ کیلومتر، ترکمنستان ۸۰۴ کیلومتر و ازبکستان ۱۴۴ کیلومتر.

ساحه افغانستان ۶۵۲۲۳۰ کیلو مربع و نفوس آن به شمول مهاجرین در بیرون از افغانستان نزدیک به سی و یک میلیون تخمین می شود.

آنچه که علاقمندی کشورهای همسایه و سایر دول را چه در منطقه و چه در جهان به افغانستان توجیه کرده می تواند منافع و درعین زمان نگرانی های است که این کشورهای دور و نزدیک در افغانستان دارند که می توان آنرا منافع مشترک و نگرانی های مشترک نامید، البته باید منافع و نگرانی های مشروع و غیر مشروع مطابق به مقررات و موازین بین المللی و حقوق بین الدول تعریف گردد و تفاوتی بین آنها قابل شد.

نخست منافع مشترک این کشورها با افغانستان که میتوان آنرا منافع مشروع دانست:

با سقوط رژیم عقب گرا و منزوی طالبی در افغانستان در ۲۰۰۱ و روی کار شدن مرحله جدید و پایه گذاری تشکیل یک نظام متکی بر قانون و مردم سالاری، افغانستان نیز از انزوای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نجات یافت و راه ترقی و پیشرفت و تشکیل یک جامعه مرفه را در پیش گرفت. اینکه این مسیر پر از فراز و فرود ها است و راه طولانی افغانستان پیش رو دارد که پیماید، دلیلی بوده نمی تواند که از این راه منصرف و یا نا امید شد. همه کشورهای جهان پیشرفته امروزی این راه را ده ها سال قبل پیموده اند و یقین کامل است که روزی افغانستان نیز از آن بهره مند خواهد شد.

با آغاز این روش و پیروی از اقتصاد متکی به بازار آزاد، زمینه سرمایه گذاری های ملی و بین المللی در افغانستان فراهم گردیده و همین اکنون طی سیزده سال گذشته صد ها شرکت و فابریکه ملی و بین المللی در افغانستان به فعالیت آغاز کرده و محصولات آنها بازارهای افغانستان را پر کرده است. اینکه این سرمایه گذاری ها به حمایت بیدریغ حکومت نیاز دارند، شکی نیست و باید حکومت برای حمایت و تشویق سرمایه گذاران و سکتور خصوصی کارهای عملی تری نسبت به آنچه تا کنون به عمل آمده، بنماید. ولی این سرمایه گذاری یکی از فکتور های کلی منافع مشترک افغانستان و جامعه بین المللی است.

احصائیه دقیق از حجم سرمایه گذاری ها در افغانستان در دست نیست ولی رشد این سرمایه گذاری ها در یک سال اخیر که پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا و همچنان ناتو بناء بر مخالفت حکومت سابق به رهبری حامد کرزی به حالت تعلیق در آمد و آقای کرزی از امضای آن با وصف تائید و توصیه لویه جرگه مشورتی خود داری ورزید رو به کاهش نهاد و حتی یک تعداد سرمایه گذاران داخلی و تجار ملی سرمایه های شان را به دلیل عدم اطمینان از امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی به خارج از

د پائو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

کشور انتقال دادند که بررسی ها نشان داد شش میلیارد دالر سرمایه طی همین مدت به خارج از افغانستان انتقال داده شد و شش میلیارد دالر دیگر عواید دولتی تزیل نمود و صدمه ای بود بر منافع ملی که مدت های طولانی لازم دارد تا جبران گردد . افغانستان به حیث یکی از شاهراه های ترانزیتی بین جنوب آسیا و آسیای میانه است و بناءً بران یکی از بزرگترین منافع که کشورهای منطقه در افغانستان دارند انتقال امتعه تجارتي و صادرات و واردات این کشورها از طریق افغانستان است. بعد از سقوط اتحاد شوروی سابق، جمهوریت های آسیای میانه با منابع سرشار طبیعی، مخصوصاً انرژی اعم از برق و گاز و نفت، هم به دسترسی به بازارهای جدید نیاز دارند و هم منطقه و جهان به منابع انرژی و سایر امتعه تولیدی این جمهوریت ها نیاز دارد. بگونه مثال موافقتنامه پروژه که برق تاجیکستان، ازبکستان و قرغزستان و ترکمنستان را از

Central Asia South Asia electricity transmission project (CASA-۱۰۰۰)،

طریق افغانستان به پاکستان انتقال میدهد در یازدهم اکتوبر بین حضرت عمر زاخیل وال مشاور اقتصاد ملی و وزیر سرپرست مالیه دولت آقای اشرف غنی احمدزی و محمد اسحق دار وزیر مالیه پاکستان در حاشیه کنفرانس بانک جهانی در واشنگتن دی سی امضاء شد که سالانه افغانستان چهل و پنج میلیون دالر حق العبور برای انتقال انرژی به پاکستان اخذ می کند. اکنون این جمهوریت ها که اقتصاد متکی به بازار آزاد را پایه گذاری می کنند و در صدد جلب سرمایه گذاری های خارجی هستند، نزدیکی راه های ترانزیتی برای شرکت های ملی و بین المللی یکی از اولویت های این کشورها می باشد و افغانستان است که ظرفیت دسترسی آنها را به بازارهای خارج هم برای صادرات و هم برای واردات آنها دارد. تکمیل شاهراه حلقوی افغانستان، تمدید خط آهن بین ایران و افغانستان، ترکمنستان و افغانستان، ازبکستان و افغانستان و تاجکستان و افغانستان، توافق ایران و افغانستان به استفاده از تسهیلات بندر چاه بهار ایران و تکمیل راه های اتصال به ایران از شاهراه قندهار - هرات از طریق نیمروز و فراه، از جمله منافع کشورهای منطقه و جهان است که با منافع افغانستان گره خورده است و باعث انکشاف تجارت منطقه و جهان می گردد.

احیای راه ابریشم یکی دیگر از پروژه های جهانی است که باز هم افغانستان در آن نقش کلیدی دارد و کشورهای مختلف جهان را از طریق تجارت به هم مرتبط میسازد و منافع این کشور با منافع جهان باز هم گره خورده و است. "جان کری" وزیر خارجه ایالات متحده در مصاحبه با صدای امریکا به روز شنبه یازدهم اکتوبر ۲۰۱۴ گفت: «با احیای راه ابریشم افغانستان به یک مرکز مهم نقل و انتقال امتعه تجارتي میان آسیا و غرب مبدل خواهد شد و فکر میکنم که افغانستان به عنوان یک جزیره در راه جدید ابریشم برای حمل و نقل اموال و تجارت میان کشورهای منطقه، داشتن روابط نیرومند با هند و آسیای مرکزی و حتی عراق و اسرائیل، به این کشور ها اهمیت خواهد داشت. همه این ها احتمالات آینده است و من فکر میکنم که ما در همین آینده نقش داشته می توانیم»

البته منابع سرشار طبیعی و دست نخورده افغانستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی جهان و منطقه به افغانستان است و بر اساس ارزیابی های که از طرف وزارت معادن افغانستان بعمل آمده افغانستان دارای چهارصد و پنجاه معدن به شمول منابع انرژی و سنگ های قیمتی و مینرال است که فقط استخراج و بهره برداری از تعداد بسیار معدودی از این منابع یا آغاز شده و یا هم برای بهره برداری تحت مطالعه گرفته شده است. سرمایه گذاری درین منابع یکی دیگر از علاقمندی های کشورهای منطقه و جهان است چون افغانستان به تنهایی توان سرمایه گذاری در برخی از این منابع مثل نفت و گاز را ندارد و سرمایه های هنگفت را ايجاب میکند، سهم شرکت های بین المللی درین بخش حتمی به نظر میرسد که در آن هم منافع افغانستان و هم منافع مشروع شرکت های خارجی بر آورده شده میتواند .

منابع آبی روی زمین و مهار نمودن آبهای زیر زمین و استفاده مشترک از این منابع بین افغانستان و کشورهای همجوار هم دلیل علاقه مندی کشورهای همسایه است هم دلیل مداخلات برای وارد کردن فشار بر افغانستان به منظور قبولاندن خواسته های نا مشروع همسایگان مخصوصاً ایران و پاکستان و هم برای تأمین منافی که طبق قوانین بین المللی بین کشورهای همجوار در مورد استفاده مشترک از منابع، تحت مقررات خاص وضع گردیده است، که از آن جمله میتوان استفاده مشترک از آب های دریا های هلمند، هریرود، فراه رود با ایران، دریای کنر، دریای کابل با پاکستان، دریای آمو با تاجکستان و چند منبع دیگر به حیث مثال نام برد. گرچه در بعضی موارد مثل دریای هلمند و بند کجکی موافقتنامه بین افغانستان و ایران در زمان حکومت محمد موسی شفیق امضا شده ولی با آن هم ایران هیچ گاهی این موافقتنامه را رعایت نکرده است. بند سلمه بر دریای هریرود که از بیش از چهل سال به اینطرف کار آن آغاز شده هنوز هم با تخریب کاری های که ادعا میشود ایران تحریک میکند، تکمیل نگردیده است .

پروژه انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی و منافع مشترک افغانستان و منطقه است این پروژه هم هزینه گزاف را ايجاب میکند و مراجع بین المللی حاضر به سرمایه گذاری در آن، در صورت تضمین امنیت هستند.

بافت اجتماعی افغانستان یکی دیگر از عواملی است که کشورهای همسایه افغانستان خود را حق میدهند در آن دخیل بدانند. جامعه ای افغانی متشکل از اقوام، قبایل، نژاد و زبانهای است که اقوام و ملیت های مشابه در کشورهای همسایه افغانستان هم

د پانوی شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

وجود دارد و تقسیمات جغرافیایی دو قدرت بزرگ جهانی در قرن نوزدهم یعنی انگلیس و روس و یا هم فتوحات کشور گشایان دیگر، قبل و بعد از آن، موجب آن گردید که اکثر اقوام و قبایل و ملیت های دارای فرهنگ و تاریخ مشترک با خط کشی های سرحدی از هم جدا شوند. این گونه تقسیمات و خط کشی ها تنها منحصر به افغانستان نیست و می توان تقسیم کشمیر به دو قسمت بین هند و پاکستان، تقسیم کرد ها بین ایران، عراق و ترکیه و از تقسیمات دیگر در سایر مناطق نیز نام برد. همین علایق تاریخی قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی و حتی ارتباط های خانوادگی است که از یک جانب موجب نزدیکی بین کشورهای با تشابهات و تعلقات تاریخی میگردند و از جانب دیگر بزرگترین معضلات منطقوی را موجب می شود. در بسیاری اوقات این گذشته های مشترک باعث آن گردیده که برتری جویان منطقوی حتی افتخارات تاریخی مربوط به افغانستان را از خود بدانند و درین خواسته ها تا سرحد امیال شئونبستی عظمت طلبانه پیش بروند و بدین ترتیب میتوان این عامل را نیز یکی از منافع کشورهای منطقه، البته به زعم خود آنها، بر شمرد.

این ها فقط چند مثال متبازل از منافع مشترک افغانستان و منطقه و جهان است. البته مهمترین عامل برای تأمین این منافع، و منافع مشروع دیگری که هم افغانستان دارد و هم منطقه و جهان، تأمین امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی در افغانستان است که بخش نگرانی های مشترک افغانستان، منطقه و جهان را تشکیل میدهد.

نگرانی های مشترک:

امنیت، عمده ترین نگرانی مشروع مشترک افغانستان، منطقه و جهان است که منشأ همه مشکلات و معضلات دیگر مثل ثبات سیاسی و اقتصادی است.

تحولاتی که تقریباً از چهل سال به اینطرف در افغانستان با کودتای سردار محمد داود خان در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ مطابق ۱۷ جولای ۱۹۷۳ میلادی آغاز یافت و تا کنون ادامه دارد، افغانستان را از یک کشور عقب مانده اقتصادی ولی با ثبات سیاسی بیرون کشید و مورد توجه منطقه و جهان قرار داد. مخصوصاً با کودتای حزب دموکرات خلق در ثور ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی و روی کار شدن رژیم کمونیستی و متعاقب آن تهاجم قشون سرخ شوروی سابق بر افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ میلادی و قیام مردم افغانستان به تعقیب آن، دیگر افغانستان از نظر مجامع بین المللی بدور نبود و هر سال در مجمع عمومی ملل متحد به حیث یکی از آجندهای مورد بحث این مجمع قرار میگرفت و اعلامیه های هم در تقاضا برای خروج تمام قوت های خارجی از افغانستان صادر میشد.

مشکل افغانستان از همان مراحل اول این تحولات شکل یک معضله منطقوی و جهانی را به خود اختیار کرد و در سطح منطقه بیشترین توجه به پاکستان و ایران بود که در حدود پنج میلیون افغان به این کشورها مهاجر شدند و پاکستان بیشترین منفعت را از قیام مردم افغانستان با پناه دادن به سه میلیون مهاجر افغان، تشکیل گروه های اسلامی مقاومت بنام تنظیم های جهادی و جلب حمایت غرب و جهان عرب از این تنظیم ها بدست آورد که بحثی جداگانه است و برای خارج نشدن از اصل موضوع میگذاریم به فرصت دیگری. ولی همین روش پاکستان و اعلام پالیسی که جنرال ضیاءالحق دیکتاتور نظامی پاکستان آنرا « نظام مصطفی» میخواند یکی از عمده ترین عوامل بی امنیتی های منطقوی مخصوصاً در افغانستان گردید.

با تعقیب چنین پالیسی غرب و کشورهای اسلامی مخصوصاً عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج و شیوخ عرب به حمایت از تنظیم های تحت حمایت پاکستان جلب شدند و به حیث سر دمداران جهاد مردم افغانستان قد علم کردند. این تنظیم ها به تأسیس مراکز و مکاتب تربیوی مجاهدین اقدام نمودند و پاکستان هم با پیروی از آنچه که « نظام مصطفی» میخواند مدارس دینی را به کمک کشور ها و شیوخ عرب تأسیس نمود و درین جا بود که پای کشور ها و منابع تمویل کننده جهاد افغانستان به این کشور کشانیده شد و جای پای برای پیشبرد اهداف عقیدتی و معرفی اسلام نوع تعبیر خود شان بجای اسلام سنتی که افغانستان پیروی میکرد، یافتند. پاکستان هم که با بحر ان «هویت» مواجه بود و هنوز هم هست و هنوز هم به حیث یک کتله دارای یک هویت فرهنگی مستقل و ملی تبارز کرده نتوانسته و بنام اسلام تشکیل شده، از موقع استفاده نموده و برای بسیج افکار عامه و ایجاد اتحاد بین ملیت ها و اقوام مختلف و متضاد پنجابی، پشتون و بلوچ به تبلیغ دینی و مذهبی و تأسیس مدارس دینی به کمک تمویل کنندگان منطقوی پرداخت و کار به جایی کشید که اکنون بیش از سه هزار مدرسه دینی در پاکستان تقریباً یک میلیون طالب تربیه میکند.

همین مدارس دینی است که امروز یکی از بزرگترین نگرانی های منطقه و جهان گردیده است و افراطیون و تند روان از اقصی نقاط جهان برای تربیه و آموزه های رزمی به این مدارس روی می آورند. این مدارس مرجع تشکیل گروه های افراطی و تندرو در منطقه و جهان گردیده است. طالبان یکی از این گروه ها هستند که نه محتاج معرفی هستند و نه هم لازم به تشریح اهداف و اعمال آنهاست و هر روز صفحات روزنامه ها و نشرات رادیو ها، تلویزیون ها و وب سایت ها از اعمال و نیات آنها پر است.

تروریست ها و دهشت افکنان بین المللی، پاکستان و مناطق صعب العبور سرحد شمال غرب و نیمه خود مختار را بهترین جای برای تربیه، طرح و فعالیت های دهشت افکنی شان تشخیص دادند که القاعده یکی از این سازمان هاست. از همین مراجع هست که سازمانهای منطقوی دیگر یا تازه تشکیل شدند و یا از حمایت های تربیوی و مادی سازمانهای دهشت افکن بین المللی مستقر درین مناطق و یا گروه های مرتبط به آن سازمانها بر خور دار میگرددند.

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

از جانب دیگر ایران هم با جا دادن به پناه جویان افغان که اکثر آنها از اهل تشیع بودند سازمانهای جهادی در زمان مقاومت مردم افغانستان تشکیل داد و از آنها حمایت مالی و آموزشی نمود و منافع خود را از این طریق دنبال میکند. عمده ترین نگرانی مشروع افغانستان، منطقه و جهان همین گروه های دهشت افکن هستند. نا امنی در افغانستان از تقریباً چهار دهه به اینطرف در افغانستان بیداد میکند. ولی به مرور زمان این نا امنی ها به ما و رای سرحدات افغانستان هم سرایت کرده و باعث نگرانی این کشور ها و جهان گردیده است. جنبش های اسلامی در آسیای میانه و در چین با ترغیب شدن از پیروزی تنظیم های اسلامی در دوران جهاد بر قوای اتحاد شوروی سابق و سقوط دادن حکومت کمونیستی، اقدام به ایجاد و منظم ساختن بیشتر گروه های اسلامی و جنبش های شدند که در گذشته یا شناخته نشده بودند و یا هم وجود نداشت.

سرایت این جنبش ها و حرکات به محدوده منطقه که افغانستان قرار دارد منحصر نماند بلکه آنانی که از سایر کشور ها چه در آسیا و چه در افریقا و یا هم در غرب به جهاد افغانستان فرستاده شده بودند در برگشت به وطن های شان به تشکیل سازمان های افراطی و تند رو دست یازیدند و طوریکه می شنویم اکثریت رهبران این گروه ها کسانی هستند که در جهاد مردم افغانستان اشتراک کردند و تجاری از آنجا آموختند و امروز کلمه « جهادی » به قاموس ترمینالوژی سیاسی و نظامی افزوده شده است. این حرکات و جنبش ها و مرکزیت این همه آموزش و پرورش دهشت افکن و تبدیل شدن مناطق سرحدی پاکستان بحیث مرکز تربیه و تعلیم آنها، و میدل شدن افغانستان بحیث میدان تمرین دهشت افکنان، عمده ترین و موجه ترین نگرانی های افغانستان و جهان است که هم منافع افغانستان و هم نگرانی های افغانستان را با منافع و نگرانی های جهان گره میزند. ضرورتی نیست تا از تلفات جانی و خسارات مالی که افغانستان و جهان در اثر این بی امنی ها و اعمال دهشت افگنی می بیند، یاد آوری شود. ولی برای روشن شدن مطلب فقط اشاراتی مختصر به بعضی از جنبش های اسلامی در منطقه بسنده میکنیم که کشورهای که این گروه ها فعالیت دارند و یا هم مجامع بین المللی آنها را به حیث سازمانهای دهشت افکن می شناسند. گسترش این فعالیت ها به کشورهای همجوار افغانستان و دور تر از آن حتی به سایر مناطق جهان مایه نگرانی عمده جامعه ملل است.

جنبش اسلامی تاجکستان یکی از مؤتلفین القاعده که مؤسس آن "طاهر یلداشیف" در ۱۶ اگست ۲۰۱۰ در یک حمله طیاره های بدون پیلوت امریکا بر شهرک "کانیگورم" در وزیرستان جنوبی، که پایگاه عمده ملا نظیر رهبر طالبان است، همراه با هشت طالب دیگر و از یک کشته شد.

وی همچنان رهبری جنبش اسلامی ازبکستان یکی دیگر از مؤتلفین القاعده را بدوش داشت که در سال ۱۹۹۱ با همکاری "جمعه نمنگانی" یک عسکر سابقه روسیه که در افغانستان جنگیده بود، آنرا تأسیس نمود. هر دوی آنها از تبار ازبک و از وادی "فرغانه" بودند. هدف این جنبش سقوط دادن حکومت اسلام کریموف در ازبکستان و تأسیس شریعت اسلامی بود. آنها از پایگاهی در تاجکستان و از شمال افغانستان که تحت اداره طالبان بود فعالیت داشتند.

جنبش اسلامی ازبکستان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ چندین حمله را بر قرغزستان نیز انجام داد ولی در سال ۲۰۰۱ که در پهلوی طالبان علیه قوای ائتلاف در افغانستان می جنگید مضمحل شد. "جمعه نمنگانی" رهبر این جنبش هم کشته شد.

با وصف ادعا های "یلداشیف" و این شایعات که جنبش اسلامی ازبکستان زیر نام جنبش اسلامی ترکستان ظهور مجدد کرده و از مناطق سرحدی پاکستان نزدیک چین در آسیای میانه فعالیت دارد شواهد کافی وجود نداشت که آنرا ثابت سازد ولی آژانس خبر رسانی سینهاوا از قول عثمان غازی رهبر این جنبش گزارش داد که این جنبش در حمله بر میدان هوایی بین المللی کراچی در سال ۲۰۱۴ دست داشته است.

جنبش اسلامی ترکستان شرقی که بنام حزب اسلامی ترکستان و همچنان جنبش اسلامی ترکستان هم معروف است، سازمان جدائی طلبی است که از طرف تندروان اویغور در غرب چین تمویل میگردد. هدف این سازمان استقلال ترکستان شرقی از چین است. چین مدعی است که این یک سازمان جدائی طلب و مسؤول حملات دهشت افگنی در سینکیانگ چین است.

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم، بی ثباتی و بی امنیتی در افغانستان نه تنها بی امنیتی در منطقه را بیشتر میسازد و موجب بی ثباتی های منطقوی میگردد بلکه مایه نگرانی جهان نیز هست و انتشار افراط گرایی و جنبش های میگردد که خشونت و تشدد را یگانه راه رسیدن به هدف و بر آورده ساختن مرام های شان برای تأسیس دولت های مطابق به تعبیر های سخت گیرانه که از اسلام دارند، می بینند. اکثریت این سازمانها با سازمانهای دهشت افکن بین المللی مثل القاعده ارتباط دارند که در تمام جهان مؤتلفینی دارد و روزی نیست که از اثر اعمال دهشت افگانه ای این سازمانها در آسیا، اروپا، افریقا و سایر مناطق جهان خبری نشر نگردد. همین سازمانهای افراطی و عقب گراست که منافع جهان را چه سیاسی و چه اقتصادی در منطقه تهدید میکند.

تولید تریاک و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از عمده ترین نگرانی های کشورهای منطقه و جهان است. افغانستان از چندین سال به اینطرف بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان شناخته شده است و این تریاک از بناء در نفوذ پذیر افغانستان با همسایگان توسط مافیای بین المللی به سایر نقاط جهان قاچاق میشود. تا کنون هیچگونه پلان و طرح کار آمد مشخصی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گرفته نشده و این ماده مهلک و ویرانگر نه تنها بزرگترین درد سر برای جهان است بلکه همین اکنون بیش از یک میلیون معتاد در افغانستان وجود دارد که دولت به هیچ وجه توانائی معالجه آنها و یا مقابله با این مصیبت عظمی را ندارد.

نگرانی منطقه و جهان از به خطر افتادن منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی آنها در افغانستان که مشمول اعتقادات، تعلقات قومی و نژادی و زبانی نیز میگردد، از نگرانی های مشروع همسایگان افغانستان و منطقه و جهان است. البته

هر یک از این فکتور ها و عوامل میتواند موضوع جداگانه ای برای تحقیق و بر رسی ژرف باشد و درین مختصر صرف با تذکر مختصر بسنده میکنیم تا توضیح شده باشد که اکنون معضله بی امنیتی و بی ثباتی افغانستان یک مشکل تنها مربوط به افغانستان نیست بلکه یک مشکل منطقوی و بین المللی است چون هم کشورهای منطقه مخصوصاً همسایگان افغانستان و هم کشورهای جهان خاصاً هند و عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی و غرب در مجموع به شمول ایالات متحده امریکا درین منافع و نگرانی ها مشترکاتی دارند و این مشترکات آنها را در حل قضیه افغانستان و نگرانی های که درین زمینه وجود دارد به نحوی از انحا دخیل میسازد. بناءً راهی باید جست و جو گردد تا افغانستان با همین موقعیت استراتژیک جغرافیائی که دارد و به حیث یک حلقه اتصال بین دو قسمت آسیا و شرق میانه و حتی دور تر ها، بتواند هم منافع خود را تأمین نماید و هم به نگرانی های این کشور و سایر کشورها رسیدگی شود تا از بی ثباتی این کشور و منطقه جلو گیری شده و تشویش جهان هم، بعد از این همه سرمایه گذاری های مادی و معنوی، رفع گردد.

راه حل پیشنهادی:

با در نظر داشت اوضاع خاص جغرافیائی و ترکیب اجتماعی و فرهنگی، تعلقات مادی و معنوی همسایگان و منطقه و جهان، منافع مشترک و نگرانی های مشترک که در بالا از آن مختصراً تذکر رفت، راه حل هم در افغانستان بطور مشترک جست و جو شده میتواند نه افغانستان با موافقتنامه های استراتژیک و امنیتی با دوستان منطقوی و بین المللی و نه هم دوستان افغانستان به تنهایی امنیت، ثبات، بی طرفی، صلح پایدار، ختم جنگ و خونریزی و پیشرفت را در افغانستان تضمین کرده خواهند توانست . تدویر یک کنفرانس تحت نظر ملل متحد به اشتراک پنج عضو دایمی شورای امنیت ملل متحد ، شش کشور هم سرحد با افغانستان، هند، عربستان سعودی، کشورهای عضو ناتو، سازمانهای بین المللی دیگر مثل حقوق بشر، سازمان امنیت و همکاری اروپا، کنفرانس های شانگهای و سارک می تواند متضمن ختم جنگ و خونریزی و جلو گیری از به مخاطره افتادن منافع مشترک افغانستان و جهان گردد.

درین کنفرانس از کشورهای اشتراک کننده روی این اصول تعهد گرفته شود:

- *عدم مداخله در امور داخلی افغانستان
- *شناسائی افغانستان به حیث یک کشور بیطرف در معضلات منطقوی و بین المللی.
- *قطع کمک های مادی و تمویل گروه های مسلح مخالف افغانستان
- *همکاری صادقانه در پیشبرد مذاکرات صلح با مخالفین مسلح
- *برداشتن پایگاه ها و مراکز فعالیت های مخالفین حکومت افغانستان در کشورهای همسایه
- *حمایت از پلان های حکومت افغانستان برای ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر.
- *تعیین مجازات (تهدید، اخطار، تحریم های اقتصادی و سیاسی) در صورت تخلف کشورهای اشتراک کننده از مصوبات و فیصله های این کنفرانس.

پایان

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی